

حقوق مخالفان سياسي در حکومت امام علي ۱

هدی غفاري ۲
مدرس و پژوهشگر

چکیده

يکي از موضوعات عمده در عرصه حاکميت دولت‌ها نحوه برخورد آنان با مخالفان سياسي است که خاستگاه آن از جهات مختلف قابل تعمق و بررسي مي‌باشد. در نظام‌هاي مردم‌سالار بر مبنای اصل کثرت‌گرایی به عنوان يکي از مهم‌ترین مؤلفه‌هاي دموکراسي، اپوزيسيون تحت لوای قانون به مخالفت با هیأت حاکمه یا سياست‌هاي اتخاذ شده توسط آنها مي‌پردازند و اصل بر این است که باید از کلیه حقوق و آزادي‌هاي مدني، سياسي، اجتماعي و اقتصادي برخوردار باشند. بر عکس در نظام‌هاي ديکتاتوري اپوزيسيون شامل احزاب و گروه‌هاي سياسي است که بدون برخورداری از حمايت قانون به انتقاد از دولت و یا مبارزه با آن پرداخته، غالباً از طريق روش‌هاي خشونت‌آمیز سرکوب مي‌شوند. در این مقاله مؤلف بر آن است تا با بررسي نحوه برخورد امام علي (ع) با مخالفان سياسي در دوران حکومتشان به ارائه الگوي کارآمد از حکومت ديني در برخورد با چالش‌هاي حقوق بشر فراروي جهان اسلام بپردازد.

واژگان کلیدی

حاکميت ديني، مخالفان سياسي، خوارج، حقوق فردي، آزادي‌هاي اجتماعي

حکومت‌ها در طول تاريخ همواره با مخالفان سياسي، دست به گریبان بوده‌اند. مخالفاني که یا به صورت فردي یا در قالب گروه‌هاي سازمان یافته و با انگیزه‌هاي گوناگون به مخالفت با حکومت مستقر مي‌پردازند. تاريخ شاهد مجازات‌هاي دهشتناکي بوده است که زمامداران بر معارضان خود (مجرمان سياسي) روا داشته‌اند. البته شيوه رفتار با مخالفان سياسي همواره یکسان نبوده است و در پاره‌اي موارد فرمانروايان با پرهیز از خشونت سعی مي‌کرده‌اند از روش‌هاي ديگري نظير تطميع، ایجاد تفرقه در میان مخالفان یا جذب مخالفان میانه‌رو به منظور منزوي ساختن گروه‌هاي تندرو استفاده کنند.

مفهوم مخالفان سياسي

در فرهنگ لغات و اصطلاحات علوم سياسي واژه اپوزيسيون ۳ را به معنای ضدیت، مخالفت، تناقض، اقلیت (در مجلس) و همچنین حزب مخالف دولت معنا کرده‌اند. از آن جا که واژه اپوزيسيون يك مفهوم شناخته شده در علوم سياسي است، ما نیز از ابتدا به تناسب بحث همین کلمه را که مفهوم «مخالفان سياسي» از آن استفاده مي‌شود، در مواقع لزوم به کار مي‌بريم. اپوزيسيون در دموکراسي‌هاي معاصر به احزاب و گروه‌هاي سياسي سازمان یافته‌اي اطلاق مي‌شود که مخالف حکومت مستقر بوده و تحت لوای قانون از آن

۱- کارآزمایی این مقاله در تاريخ ۸۵/۳/۴ آغاز و تا تاريخ ۸۵/۵/۱۶ به اتمام رسید.

۲- دانشجوي دوره دکتری دانشگاه شهید بهشتی

انتقاد می‌کنند و در صورت کسب اکثریت آرا در جریان یک انتخابات آزاد و منصفانه، قدرت سیاسی و اداره امور جامعه را به دست می‌گیرند (بشیریه، ۱۳۸۳، ص ۴۹۹).

در حقیقت وجود مخالفان سیاسی در اشکال فردی و گروهی در سطح جامعه سیاسی و برخوردار بودن آنها از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی نظیر مطبوعات مستقل و احزاب سازمان یافته، کاغذ تورنسِل ۱ دموکراسی است. به عبارت دیگر اصلی‌ترین مؤلفه دموکراتیک بودن یک نظام سیاسی، موجودیت قانونی و رسمی مخالفان سیاسی در آن جامعه است (pickless, 1977, 155).

پیشینه تاریخی البته ذکر این نکته ضروری است که پیشینه تاریخی پیدایش اپوزیسیون قانونی در نظام‌های دموکراتیک چندان طولانی نیست. در دموکراسی‌های قدیم آن و رم نشانی از اپوزیسیون قانونی در مفهوم مدرن آن وجود نداشت و موجودیت اپوزیسیون به عنوان تشکلی قانونی و بخشی از ساختار قدرت محصول تحولات مدرن اخیر در غرب و از تبعات طبیعی پارلماناریسم و نظام نمایندگی و انتخابات آزاد می‌باشد.

با مطالعه سیر جهانی مجازات‌هایی که بر علیه مخالفان سیاسی اعمال می‌شده به این نتیجه تلخ رهنمون می‌شدیم که در اعصار گذشته مجازات‌های وحشیانه‌ای تقریباً در همه کشورهای جهان در مورد مخالفان سیاسی معمول بوده است.

به عنوان مثال هم در فرانسه و هم در انگلستان بدن فرد خائن به کشور را (مخالفت یک حزب یا گروه با حکومت و حتی به صورت مسالمت‌آمیز توطئه و اقدامی بر ضد نظام سلطنتی تلقی می‌شده است) پس از بریدن سر، قطعه قطعه کرده و سپس هر قطعه را برای عبرت سایرین تا مدت‌ها بر سر دار و در معرض دید عموم قرار می‌دادند.

در ایران باستان نیز تجاوز به حرمت کاخ شاهی، نشستن بر تخت وی و بی‌ادبی به خاندان سلطنتی و... کیفر مرگ را در پی داشت. در این گونه حالات گناهکار را مجبور می‌کردند که زهر بنوشد یا او را به چهار میخ کشیده، به دار می‌آویختند. حبس کردن مجرمان سیاسی یا جانوران موذی در زندان، یا تبعید این افراد به قلعه فراموشی نیز از مجازات‌های رایج در ایران باستان بوده است. یکی دیگر از مجازات‌های وحشیانه کور کردن بود که مخصوصاً در مورد شاهزادگانی به کار می‌رفت که علم طغیان بر ضد حکومت بر می‌داشتند. کور کردن معمولاً به وسیله فرو کردن میل گداخته یا ریختن روغن داغ در چشم محکومان، صورت می‌گرفت (راوندی، ۱۳۶۸، ص ۱۲-۱۶۰).

با این مقدمه هر چند مختصر، بر آنیم تا نحوه برخورد امام علی را با مخالفان سیاسی خویش در دوران حکومت آسمانی‌شان، بررسی کنیم. اهمیت این مسأله به این دلیل است که نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک حکومت شیعی قول و فعل آن حضرت را حجت دانسته، پیروی از آن را لازم می‌داند.

۱ - Tournesol ماده رنگی آبی که از تخمیر گل‌سنگ‌ها در آب آمونیاکی و کربنات دو پتاس تهیه می‌شود. این جسم در محیط اسیدی سرخ رنگ و در محیط قلیایی آبی رنگ می‌شود.

نحوه برخورد امام علي(ع) با مخالفان سياسي

سخن گفتن از حضرت علي(ع) بسيار دشوار است، بخصوص اگر مجال بيان و قلم تا اين حد اندك باشد، مؤلف همواره اين بيم را خواهد داشت كه نمي‌تواند حق مطلب را به نحو شايسته ادا كند. ليكن چاره نيست و بايد در قالب چندين سطر اندك از انساني سخن گفت كه نه يك فهريمان يا يك شخصيت تاريخي بلكه معجزه خلقت است. همان بنده برگزيده خدای سبحان كه مرغ اندیشه از رسيدن به قله معرفتش ناتوان و قلم‌ها از وصف صفات متعالی‌اش عاجزند.

پيشواي همه آزادگان روزگار كه پنج سال دوران حكومت پرشكوهش، طعم خوش عدالت را به ذائقه بشريت چشاند. حضرت علي(ع) امام راستيني است كه رفتار و سیره‌اش در همه ابعاد زندگي انسان اعم از بعد فردي، اجتماعي، سياسي، اقتصادي و ... الكوي انسان در مسير تكامل است. لذا در زمينه امور سياسي نيز شيوه برخورد امام علي(ع) با مخالفان سياسي، برگ زريني است كه بر كتاب تاريخ، ضميمه شده است.

مخالفان سياسي امام علي(ع) چه كساني بودند؟

در حقيقت نخستين مخالفان حكومت حضرت علي(ع) تأسيس كنندگان سقيفه بودند. سقيفه محل اجتماعات عمومي بود كه مردم مسائل مهم خود را در آن جا مورد بحث و تبادل نظر قرار مي‌دادند. در همين محل بود كه پس از انتشار خبر رحلت پيامبر اكرم(ص) عده‌اي دور هم جمع شدند تا مسأله خلافت و رهبري امت اسلامي را به دلخواه خود حل و فصل كنند. اين گروه با تصميم خود اساس اشتباه و انحراف را در جامعه اسلامي بعد از وفات پيامبر(ص) گذاشتند و ديوارهاي اختلاف و تشتت را در ميان امت اسلام كشيدند كه هنوز هم آثار شوم آن بر جاي خود باقي است.

عنوان مخالفان سياسي به احزاب و گروه‌هاي سياسي اطلاق مي‌شود كه مخالف حكومت مستقر مي‌باشند؛ لذا در اين قسمت به بررسي نحوه برخورد حضرت با افرادي مي‌پردازيم كه در دوران حكومت حضرت علي(ع) به مخالفت با ايشان پرداختند. اين گروه از مخالفان به تعبير امام سه گروه بودند. امام در خطبه معروف شقشقيه اين سه گروه را چنين معرفي مي‌كنند «همين كه به امر خلافت اقدام نمودم، گروهی پيمان شكستند (ناكثين) و عده‌اي از مدار دين بيرون رفتند (مارقين) و جمعي ديگر سر به راه طغيان نهادند (قاسطين).

كويي هر سه طايفه اين سخن خدا را نشنیده بودند كه مي‌فرمايد «اين سراي آخرت را بر كساني قرار دهيم كه خواهان برتري و فساد در زمين نيستند، و عاقبت خوش از آن پرهيزكاران است چرا، به خدا قسم شنیده بودند و آن را از حفظ داشتند، اما زرق و برق دنيا چشمشان را پر كرد، و زيور و زينتش آنان را فریفت»^۱

۱- فلما نهضت بالامر نكثت طائفه و مرقت اخري و قسط آخرون ، كانهم لم يسمعوا كلام الله حيث يقول: «تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علو في الارض و لا فسادا و العاقبة للمتقين» بلي و الله سمعوها و عوها ، و لكنهم حليت الدنيا في عينهم و مراقهم زبرجها (انصاريان، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۵۱).

۱- قاعدین

نخستین گروه مخالفان امام علی(ع) را شمار اندکی از مهاجران و انصار تشکیل می‌دادند که از پیوستن به جماعت مسلمین و بیعت با حضرت خودداری کردند و به همین دلیل به آنان لقب قاعدین (نشستگان) داده شده است. افرادی مانند عبدالله بن عمر، سعد بن ابی وقاص، اسامه بن زید، بیشتر اینان از زمره طرفداران عثمان و از افرادی بودند که حضرت علی(ع) درباره آنان فرمود «حق را خوار کردند و بر باطل نیز یار نشدند» (محسنی، ۱۳۸۲، ص ۴۲۳). حضرت علی(ع) در کمال آزادنشی و بزرگواری با آنان برخورد کرده، هرگز آنها را مجبور به بیعت نکردند و در حکومت علوی از همه حقوق سیاسی، اجتماعی و در یک کلام حقوق انسانی، بهره‌مندشان ساختند. نکته جالب این جاست که بعضی از آنان نظیر عبدالله بن عمر و سعد بن ابی وقاص بعدها از کرده خود پشیمان شدند (پور خسروی، ۱۳۸۰، ص ۶۵).

۲- ناکثین

دسته دوم از مخالفان امام علی(ع) افرادی بودند که به رهبری طلحه و زبیر و عایشه نخستین جنگ داخلی را علیه حکومت نوپای امام علی(ع) به راه انداختند. اینان که به اصحاب جمل نیز مشهورند در ابتدا با حضرت علی(ع) بیعت کردند و سپس با انگیزه‌های گوناگون پیمان خویش را گسستند و به همین علت به ناکثین (پیمان شکنان) معروف شدند. این افراد حرکت خود را از مکه مکرمه آغاز کردند و پس از مدتی به بصره حمله کرده، استاندار این شهر، یعنی عثمان بن حنیف را به طرز فجیعی از شهر بیرون راندند و به این ترتیب بعد از گذشت حدود پنج یا شش ماه از دوران حکومت امام علی(ع) آشکارا شروع به قیام مسلحانه علیه حکومت علوی کردند (ابن اثیر، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۲۱۲-۲۳۳). جنگ جمل هر چند بیشتر از یک روز طول نکشید ولی زبان‌های مادی و معنوی بسیاری بر جای گذاشت و دست کم پنج هزار نفر از سپاهیان امام علی(ع) به شهادت رسیدند و بیش از یک سوم سپاه جمل نیز کشته شدند. در بر افروخته شدن آتش این فتنه نباید فریب کاری‌ها و دسیسه‌های معاویه را نادیده گرفت که با فرستادن نامه‌های مختلف برای طلحه و زبیر به آنان وعده خلافت داد و حتی به دروغ نوشت که از مردم شام برای آنها بیعت گرفته است (ابن ابی الحدید، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۳۱؛ همو، ج ۱۰، ص ۶۲۳-۶۲۵).

۳- فاسطین

سومین گروه مخالفان حکومت حضرت علی(ع) را در حقیقت معاویه و یاران او تشکیل می‌دادند. اینان از همان آغاز، حکومت امام علی(ع) را به رسمیت نشناختند و جنگ پر حادثه و طولانی صفین را به راه انداخته و موجب کشته شدن شمار فراوانی از سپاهیان هر دو طرف شدند. این نبرد طولانی شهادت پنج هزار نفر از سپاهیان حضرت علی(ع) و کشته شدن چهل و پنج هزار نفر از لشکریان معاویه را به دنبال داشت و در حالی که فقط چند ساعت بیشتر به پیروزی نهایی سپاه امام علی(ع) باقی نمانده بود، با حيله‌گری عمروبن عاص و ساده لوحی و خیانت بعضی از لشکریان امام به سود معاویه

پایان پذیرفت. با شروع ماجرای حکمیت، فتنه‌ای دیگر بر علیه حکومت امام علی(ع) شکل گرفت.

۴. مارقین

خوارج چهارمین گروهی بودند که در مقابل حکومت حضرت علی(ع) صف‌آرایی کردند. اینان که تا آخرین روزهای جنگ صفین از جمله سپاهیان حضرت علی(ع) محسوب می‌شدند، در اثر ساده لوحی در دام حيله عمرو بن عاص گرفتار آمدند و امام را به پذیرش حکمیت وادار کردند. این گروه پس از آنکه به اشتباه خود پی بردند به جای عبرت گرفتن از حوادث گذشته و اعتماد کردن به علم و دانش امام علی(ع)؛ پیوسته راه مخالفت با ایشان را بر شمار لغزش‌های خود افزودند و سرانجام راه قیام و خروج علیه حکومت علوی را در پیش گرفتند و با ایجاد رعب و وحشت و کشتن مردم بی‌گناه، امنیت جامعه را مختل کردند. تعداد خوارج ابتدا به دوازده هزار نفر می‌رسید، اما روشن‌گری‌ها و نصایح امام علی(ع) دست کم دو سوم آنان را از کرده خویش پشیمان کرد. گروه باقی مانده نیز به جز اندکی در ساعات آغازین جنگ نهروان کشته شدند. جنگ با خوارج توان نظامی و مادی زیادی نمی‌خواست، اما از لحاظ معنوی نیروی فراوانی را طلب می‌کرد و از حساس‌ترین جنگ‌های حضرت علی(ع) بود؛ زیرا این گروه غالباً از قاریان قرآن بودند و پیشانی پینه بسته آنها حکایت از شب زنده‌داری‌های آنها داشت!

علل مخالفت با حکومت حضرت علی(ع)

علل مخالفت با حکومت حضرت علی(ع) را می‌توان در چند عنوان کلی مورد بررسی قرار داد:

۱. قدرت طلبی

مقصود از قدرت‌طلبان افرادی هستند که درصدد دست یافتن به مراکز و اهرم‌های قدرت می‌باشند و از هر شیوه و وسیله‌ای که آنان را برای رسیدن به قدرت کمک کند، استفاده می‌کنند.

در این جا تنها به يك نمونه از قدرت‌طلبی مخالفان حکومت حضرت علی(ع)، همان صحابه پیشین رسول‌الله(ص) که دوستی دنیا آنها را نیز سخت فریفت، اشاره می‌کنیم:

«وقتی سپاه عایشه از مکه خارج شد و به هنگام نماز، مروان نزد طلحه و زبیر آمد و گفت کدام يك از شما را به عنوان رهبر اعلام کنم تا امامت نماز را نیز به عهده گیرید؟ عبدالله بن زبیر در پاسخ مروان گفت پدر مرا به عنوان رهبر و امام جماعت معرفی کن! وقتی خبر این گفتگو پخش شد، عایشه شخصی را نزد مروان فرستاد که با این کار تصمیم داری نیروها را متفرق کنی؟! پسر خواهرم (عبدالله بن زبیر) باید به عنوان امام جماعت به مردم معرفی شود.

به دنبال این بگو و مگو، معاذبن عبید گفت بخدا قسم بعد از پیروزی آغاز درگیری داخلی ماست، زیرا ته طلحه حاضر است به نفع زبیر کنار رود و نه زبیر به نفع طلحه کنار می‌رود» (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۹۶).

۲. ثروت اندوزي

اميرالمؤمنين(ع) هنگامي که حکومت را در دست گرفت، بسياري از ارزش‌هاي اصیل اسلامي چون زهد و ساده زیستی از جامعه اسلامي رخت بر بسته بود و جاي خود را به انباشت سرمايه‌هاي هنگفت و زندگي اشرافي داده بود. صحابه پر آوازه پیامبر(ص) نیز از این آفت در امان نمانده و برخي با همین انگیزه از حکومت علوي کناره گرفته بودند.

قاعدین نخستین گروه از مخالفان امام علي(ع) دلایل گوناگوني برای مخالفت خود برشمردند، اما نقش دنیاطلبی را دست کم درباره بعضي از آنان نمی‌توان نادیده گرفت. چنان که بعضي از مورخان، علت خودداري زيد بن ثابت و کعب بن مالك را از بیعت با حضرت علي(ع) همین مسأله ثروت اندوزي دانسته‌اند، به راستي کسی که سرمايه او به اندازه‌اي باشد که هنگام تقسیم ارث شمش‌هاي طلا و نقره‌اش را با تبر تکه تکه کنند، چگونه می‌تواند با حکومت عدل حضرت علي(ع) کنار آید؟

نگاهي به زندگي سران اصحاب جمل مثل طلحه و زبیر نیز نشان می‌دهد که دنیاطلبی و ثروت اندوزي نقش عمده‌اي در مخالفت آنان با حکومت امام علي(ع) داشته است.

امام علي(ع) از همان آغاز خلافت خویش به صراحت اعلام کردند که «آنچه را که عثمان تبول برخي کرده و اموالي را که به ناحق بخشیده است، به بیت‌المال بازخواهد گرداند» (محسنی، ۱۳۸۲، ص ۴۲۷-۴۲۸).

۳. نفاق

سومین جریان سياسي مخالف امام، جریان نفاق است. جرياني که اسلام را پذیرا نبود ولي این مطلب را به صراحت اعلام نمی‌کرد. اشعث بن قیس، عمرو بن عاص، معیره بن شعبه، نمونه‌هایی از طرفداران این جریان بودند. سرچشمه این جریان معاویه بود که به تعبیر ابن ابی‌الحدید، او همیشه ملحد بود و هرگز در کفر و الحاد شك نداشت (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۵).

۴. تحجر

تحجر، بداندیشي، کج فهمي، تعصب، کم آگاهی، تبلیغات خارجي، شایعه‌سازي خیانتکاران، عقده حسد و غرض شخصی و خودخواهي موجب پدید آمدن خوارچ شد؛ انسانهاي کج فهم و متحجری که به دشمني با حکومت حضرت علي(ع) پرداختند (شریعتي، ۱۳۷۹، ص ۱۶۹).

«تحجر خوارچ به جايي رسیده بود که با اندک بهانه‌اي، مخالفان خود را به ارتداد متهم کرده، به قتل آنان فتوا می‌دادند. از این رو، عبدالله بن خباب را به جرم حمایت از امام علي(ع) به گونه‌اي فجیع به شهادت رساندند و شکم همسر باردار او را دریدند. با این حال، وقتي یکی از آنان خرمایی را از روی زمین بر می‌دارد، او را سرزنش می‌کنند که چرا در اموال مردم بدون اجازه تصرف می‌کند» (محسنی، ۱۳۸۲، ص ۴۲۵).

۵. عدالت‌گریزي

عدالت‌گریزي صاحبان قدرت و منسوبان آنها یکی دیگر از ویژگی‌هاي تأسف‌آور در دوران حکومت حضرت علي(ع) بود. در حالی که امام عدالت اجتماعي را سر لوحه

اهداف خویش قرار داده بود و تلاش می‌کرد تا ابعاد گوناگون آن را در قالب‌های مختلف مثل الغای امتیازات طبقاتی، مصادره ثروت‌های نامشروع و بادآورده و اجرای حدود و احکام الهی به اجرا در آورد (همو، ص ۲۲۱-۲۲۵).

روش‌های کاربردی مخالفان علیه حکومت امام علی(ع)

مخالفان امیرالمؤمنین(ع) برای رسیدن به اهداف پلید خود از روش‌های مختلفی جهت منحرف ساختن مردم استفاده می‌کردند.

۱- سانسور خبری یا حقیقت پوشی

مخالفان وقایع گذشته را تحریف و سانسور می‌کردند و نمی‌گذاشتند نسل جوان از نقش حضرت علی(ع) در ترویج اسلام، ایثار و رشادت‌های او با خبر شوند. ایشان همچنین با کتمان کردن حدیث ولایت و جریان غدیر سعی در تحریف تاریخ داشتند و گاهی شخصیت‌های تاریخی را جا به جا می‌کردند، به عنوان مثال معاویه را محرم اسرار رسول الله(ص) و یگانه مفسر قرآن و کاتب کلام وحی معرفی می‌کردند.

۲- تبلیغات علیه امام(ع) و ترور شخصیت ایشان در نزد افکار عمومی

مهم‌ترین ابزار جنگ روانی مخالفان بر علیه حضرت علی(ع) تبلیغات بود با این روش شامیان علیه امام علی و امام حسن و امام حسین علیه السلام بسیج شدند. بدترین صفات زشت به امام علی(ع) نسبت داده می‌شد. عمرو بن ثابت، سوار بر مرکب می‌شد و به شهرها و روستاها سفر می‌کرد و هر جا که می‌رسید مردم را جمع می‌کرد و علیه امام تبلیغ می‌کرد و جملات زشتی درباره حضرت می‌گفت (خسرو پناه، ۱۳۸۰، ص ۲۲۱ - ۲۲۲).

۳- تحریف دین

معاویه به سمره بن جندب پیشنهاد صد هزار درهم را داد تا شأن نزول آیه ۲۰۷ بقره... را تغییر دهد و این آیه را که در ليله المبيت در شأن امام علی(ع)، (آن گاه که در شب هجرت پیامبر در بستر او خوابید نازل شد) به این ملجم مرادی نسبت دهد. سمره بن جندب نپذیرفت تا با چهارصد هزار درهم این پیشنهاد را عملی کرد (همو، ص ۲۲۲).

۴- تشویق مخالفان و رشوه دادن به دوستان

تشویق خرابکاران و دشمنان حضرت علی(ع) نیز یکی دیگر از روش‌های کاربردی مخالفان امام(ع) بود. روزی ابوپرده پسر ابوموسی اشعری، ابوالعادیه قاتل عمار را دید - عماري که به تعبیر پیامبر(ع) معیار تشخیص حق از باطل بود و گروه متجاوز او را به شهادت رساندند - به او گفت آیا تو قاتل عمار هستی؟ گفت آری. ابوپرده که از دشمنان سرسخت امام(ع) بود، دست او را گرفت و بوسید و گفت هرگز آتش به آن نرسد (خسرو پناه، ۱۳۸۰، ص ۲۲۴).

۵- جلوگیری از تثبیت مدیران

از آن جا که دشمنان حضرت علی(ع) واقف بودند که عدم ثبات مدیریت در کشور و تغییر روزمره مدیران، در آسیب‌پذیری حکومت‌ها بسیار مؤثر است، سعی در کارشکنی در کار مدیرانی می‌کردند که حضرت آنها را منسوب می‌فرمود. به

عنوان مثال آنها به سهل بن حنیف که از طرف امام □ به عنوان والی شام منصوب شده بود، اجازه ورود ندادند (همو، ص ۲۲۵).

۶ - روش جاسوسی

به عنوان مثال عماره بن عقبه برادر ولید از مخالفان سر سخت امیرالمؤمنین (ع) در کوفه بود، ولی اظهار به مخالفت نمی‌کرد و اخبار کشور به ویژه طرفداران امام علی (ع) را به شام مخابره می‌کرد (همو).

۷ - غارت بیت‌المال

۸ - ایجاد ناامنی

ناامنی در کشور و در نهایت ترور امام علی (ع) از روش‌هایی بود که مخالفان و دشمنان حکومت امام (ع) در مقابل ایشان به کار می‌گرفتند (همو). حضرت علی (ع) در رابطه با هر یک از روش‌های فوق شیوه‌ای خاص در پیش می‌گرفتند که ذکر آنها، از حوصله این مجال خارج است. فقط می‌توان اشاره کلی به سیره حضرت در این باره کرد که ایشان در ارتباط با حقوق خویش و آنچه مستقیماً به ایشان مربوط می‌شد با عطوفت بسیار و در نهایت بخشایش و کرامت رفتار می‌کردند. اما در رابطه با حق الناس و تحریف دین خداوند، بسیار سخت‌گیر بودند و هیچ گونه تسامح و تساهلی را در این باره جایز نمی‌شمردند.

حقوق و آزادی‌های مخالفان سیاسی در حکومت حضرت علی (ع)

قبل از شروع بحث باید به این نکته اشاره کنیم که مخالفان امام علی (ع) به دو گروه عمده تقسیم می‌شدند.

الف - مخالفان سیاسی

افرادی بودند که با حکومت حضرت علی (ع) مخالف بودند، ولی با روش‌های نسبتاً مسالمت‌آمیز مخالفت خود را نشان می‌دادند. خوارج تا زمانی که اقدام به آغاز جنگ نهروان علیه حضرت علی (ع) نکردند، بهترین مصداق مخالفان سیاسی در جامعه علوی، محسوب می‌شدند. آنها در این مدت (پیش از آغاز جنگ نهروان) عمدتاً از طریق سخنرانی، تشکیل اجتماعات و... به مخالفت با حکومت حضرت علی (ع) می‌پرداختند.

ب - مخالفان جنگ طلب

افرادی بودند که با استفاده از روش‌های نظامی و غیر مسالمت‌آمیز سعی در براندازی حکومت نوپای حضرت علی (ع) داشتند و جنگ‌های متعددی را علیه حضرت بر پا کردند، از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به جنگ صفین و جنگ جمل اشاره کرد. نکته جالب این جاست که در سیره امام علی (ع) مخالفان جنگ طلب نیز از حقوقی برخوردار بودند، لیکن با توجه به موضوع مقاله حاضر که حقوق مخالفان سیاسی است، ما صرفاً حقوق و آزادی‌های این دسته از مخالفان را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

اما پیش از پرداختن به بحث حقوق مخالفان سیاسی باید به فصل مشترکی از سیره امام علی (ع) در برخورد با همه مخالفان اشاره کنیم.

عدم اجبار به بیعت - امام علی(ع) بر خلاف خلفای پیشین به هیچ عنوان اجازه نداد که کسی را در بیعت با ایشان مجبور کنند یا تحت فشار قرار دهند. حضرت در این باره تعبیری دارند که بسیار گویاست، آن جا که فرمودند و با یعنی الناس غیر مستکرها و لا مجبرین بل طائعتین مخیرین؛ «مردم بدون اجبار و اجبار، بلکه از روی میل و اختیار بامن بیعت کردند» (انصاریان، ۱۳۷۸، ن ۱، ص ۵۷۳).

امام علی(ع) در برخورد با قاعدین که معدود افرادی بودند که با حضرت علی(ع) بیعت نکردند، هرگز به زور و خشونت متوسل نگردید، بلکه با نرمش و عطوفت با آنان روبرو شد و با برخی از آنها درباره دلایل قعودشان، گفتگو نمود (محسنی، ۱۳۸۲، ص ۴۳۶).

مذاکره، مکاتبه و پرهیز از خشونت - «حضرت علی(ع) هیچ گاه حاضر نبود در کاری که به نوعی امکان حل مسالمت‌آمیز دارد، به خشونت، جنگ و خونریزی متوسل شود؛ چنان که همیشه به حل منطقی و عقلانی مسائل و مشکلات و اقناع و ارشاد مخالفان می‌پرداخت. امام علی(ع) با همه گروه‌های مخالف به گفت و گو می‌نشست و با بردباری و فروتنی دلایل آنان را می‌شنید. در تمام تاریخ حکومت علی(ع) حتی یک مورد وجود ندارد که امام(ع) بدون اتمام حجت و قبل از مباحث عقلی و منطقی دست به شمشیر برده باشد (همو، ص ۴۲۷).

بدون تردید حضرت علی(ع) مانند تمام حاکمان در طول تاریخ برای استقرار حاکمیت و اقتدار سیاسی در حکومت خویش کوشیده‌اند؛ با این تفاوت که برای نیل به این هدف هرگز از مسیر عدالت و از چارچوب ارزش‌های الهی و متعالی، خارج نشده‌اند.

عدالت در مکتب حضرت علی(ع) اصلی است که به دیگر اصول سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، روح و جهت می‌بخشد و بدین منظور سایر امور فردی و اجتماعی بر این پایه استوار می‌شود (منصوری، ۱۳۸۱، ص ۹).

به راستی میزان پایبندی به عدل در یک نظام، وقتی آشکار می‌شود که ارتباط هیأت حاکم را با مخالفان آن نظام بررسی کنیم. چرا که حتی در مستبدترین حکومت‌ها نیز موافقان نظام از همه حقوق و آزادی‌های سیاسی بهره‌مندند!

به راستی سینه‌ای گشاده و روانی بلندمرتبه لازم است تا آدمی با دشمنان و مخالفانش به عدالت رفتار کند. آن بزرگوار خود چنین بود و فرزندانش را نیز بدین امر فرا می‌خواند:

اوصیک بالعدل علی الصدیق و العدو؛ «بر تو باد که با دوست و دشمن به عدل رفتار کنی» (انصاریان، ۱۳۷۸، ن ۵۳، ص ۶۷۶). در فرهنگ علوی که برگرفته از فرهنگ قرآنی است، همه مردم باید از حقوق انسانی برخوردار شوند، زیرا همه، عیال و روزی خور خدایند و از نظر دین یا دست کم از جهت انسانیت با هم برابرند (همو).

در این مجال به ذکر مهم‌ترین حقوق و آزادی‌های مخالفان سیاسی در حکومت علوی می‌پردازیم.

۱- حق حیات و آزادی تن

زندگی اصلی‌ترین حق انسان و اساس و مبنای سایر حقوق وی می‌باشد. به عبارت دیگر بدون این حق سایر حقوق معنایی ندارد. زنده بودن موهبتی است که خداوند متعال به بشر ارزانی داشته است و هیچ فرد یا حکومتی مجاز نیست آن را از وی سلب کند. در فرهنگ قرآنی، احترام به حق حیات انسان به اندازه‌ای است که محروم ساختن یک نفر از این حق مانند کشتن همه انسانها، خوانده

شده و نجات جان يك انسان مانند نجات جان تمام انسانها تلقي گشته است (مانده، ۳۲).

در قرآن کریم برای جلوگیری از تجاوز به حق حیات انسانها، چنین آمده است هرگز از روی ناحقی کسی را که خداوند ریختن خونش را حرام کرده، به قتل نرسانید و هر کس مظلوم کشته شود، به ولی او توانایی بخشیدیم تا انتقام گرفته، قصاص نماید؛ ولی در قصاص زیاده روی نکنید [چرا که] به حق، ولی مقتول [از سوی ما] حمایت می‌شود» (اسراء، ۳۷).

امام علی(ع) حق حیات را مهم‌ترین و اساسی‌ترین حق شهروندان می‌داند و به خطر انداختن آن را جز در مواردی که خداوند متعال اجازه داده است، ممنوع می‌شمارد.

لذا آن حضرت به کارگزارانشان چنین سفارش می‌کردند «از خونریزی ناروا سخت بپرهیزید که آن به خشم خدا نزدیک‌تر است و بزرگ‌ترین کیفر را در پی دارد و زوال نعمت و سرنگونی را زمینه‌ساز می‌گردد و خداوند سبحان در روز قیامت خود [بدون دادخواست] بر خون‌های بناحق ریخته و بندگان حکم می‌کند، پس به هیچ روی با ریختن خون حرام، پایه‌های فرمانروایی خویش را استوار نکنید که این کار از عوامل ناتوانی و سستی و حتی نابودی و از دست رفتن فرمانروایی است» (منصوری، ۱۳۸۱، ص ۱۵۱۲).

حضرت علی(ع) حق حیات را حتی برای مخالفان و دشمنانش به رسمیت می‌شناخت و خلاف و قصور آنها را تا جایی که خداوند متعال اجازه می‌داد، می‌بخشید. چشم‌پوشی ایشان از اشتباهات مخالفان چنان بود که با اعتراض اصحاب روبرو می‌گشت. بعد از شورش بصره متخلفان از جنگ را با کلام و بیانی ملایم سرزنش نمود و از کردار ناپسند ایشان در گذشت. برخی لب به اعتراض گشودند و گفتند به خدا سوگند اگر فرمان دهی، نابودشان می‌کنیم. حضرت با به کار بردن عبارت سبحان الله، هشدار داد و آنان را تجاوزگر از حدود الهی خواند و فرمود خداوند چنین دستوری نداده و انسان در مقابل انسان کشته می‌شود؛ خداوند می‌فرماید «و من قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطانا فلا یسرف فی القتل» (اسراء، ۱۷). «هر کس مظلوم کشته شود، به ولی وی توان انتقام بخشیدیم، ولی در قصاص اسراف نکنید» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۳۲، ص ۲۵۲).

۲. حق کرامت انسانی

مهم‌ترین اصل و پایه حقوق بشر، اصل کرامت انسانی است. قرآن کریم با عبارت «لقد کرما بنی آدم» به این حقیقت اشاره می‌کند.

این کرامت نظری پایه بزرگواری‌های عمل قرار می‌گیرد و اصول حقوقی و اخلاقی بسیاری بر اساس آن تنظیم می‌گردد. بر اساس اصل کرامت است، که اصل آزادی و عدم بردگی انسان اعلام شده است. نمونه آن ماده ۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر است که بیان می‌دارد «هیچ کس را نمی‌توان به بردگی گرفت. بندگی و داد و ستد بردگان در هر شکل که باشد، ممنوع است».

علی(ع) در يك بیان زیبا می‌فرماید:

الناس کلهم احرار الا من اقر علی نفسه بالعینده؛ «مردم همه آزادند مگر کسی که علیه خود به عید بودن اقرار کند» (الحرالعاملی، ۱۴۰۲هـ، ج ۱۶، ص ۳۲).

حضرت علی(ع) در امر حکومت‌داری نیز به اصل کرامت توجه داشتند و کارگزاران خود را به رعایت این اصل تذکر می‌داند. به عنوان مثال در فرمان حکومتی خویش

به مالك اشتر مي‌فرمايند «مهرباني به رعيت و دوستي ورزیدن با آنان و مهرباني کردن با همگان را براي دل خود پوشش گردان و مباح هم چون جانوري شكري که خوردنشان را غنيمت شماري! چه رعيت دو دسته‌اند: دسته‌اي برادر ديني تواند، و دسته ديگر در آفرينش با تو همانند، گناهي از ايشان سر مي‌زند، يا علت‌هايي بر آنان عارض مي‌شود، يا خواسته و ناخواسته خطايي بر دستشان مي‌رود، به خطاشان منگر، و از گناهانشان در گذر» (انصاريان، ۱۳۷۸، ص ۵۳، ۶۷۶).

اين عبارت در ظاهر يك دستور اخلاقي است، اما مي‌تواند مبنايي حقوقي براي مناسبات سياسي ميان مردم و دولت قرار گيرد. توجه به كرامت انسان تنها در قالب قواعد خشك حقوقي، جلوه‌گر نيست، حضرت علي(ع) با اعمال و رفتار و سيره خود اصل كرامت انساني را عملاً رعايت کرده، در اين مورد دست به فرهنگ‌سازي گسترده‌اي زده‌اند. به عنوان مثال حضرت علي(ع) وقتي از جنگ صفين به كوفه باز مي‌گشت، به شاميان که تيره‌اي از قبيله همدان بودند برخورد کرد. حرب بن شريحيل شامي که از بزرگان مردم خود بود، پياده به راه افتاد در حالي که امام سواره بود، امام علي(ع) فرمود «باز گرد که پياده رفتن چون تويي با من موجب فريفته شدن والي است و خوراي مؤمن» (همو، ح ۳۲۳).

توجه حضرت علي(ع) به اصل كرامت انسانها به اندازه‌اي بود که حتي امروزه نيز که از بلندگوهاي دنيا، داعيه دفاع از كرامت انسانها به گوش مي‌رسد، سيره عملي حضرت در اين خصوص براي ما شگفت‌انگيز است. آن حضرت در وقت رفتن به شام که کشاورزان شهر انبار، با ديدن ايشان به نشانه احترام از اسبها پياده شده، پيشاپيش آن بزرگوار دويدند، فرمود اين چه عملي است که از شما سر مي‌زند؟!

گفتند: برنامه‌اي است که با آن سران خود را بزرگ مي‌شماريم. فرمود به خدا قسم زمامداران شما از اين کار سود نمي‌برند، و شما با اين عمل در دنيا به مشقت مي‌افتيد، و در آخرت دچار بدبختي مي‌شويد و چه خسارت‌بار است مشقتي که به دنياي آن كي‌فر الهي است، و چه سودمند است آسايشي که به همراه آن ايمني از آتش جهنم است! (انصاريان، ۱۳۷۸، ح ۳۷).

نکته بسيار جالب و شگفت‌انگيز در اين جاست که حضرت دويدن مردم پيشاپيش حاکم را عامل به مشقت افتادن آنها در دنيا و گرفتار شدن آنها به عذاب و شقاوت در آخرت مي‌داند، هر چند در مقابل حاکمي مثل حضرت علي(ع) باشد که مسجود فرشتگان است و محبوب حق تعالي!

در حقيقت امام علي(ع) با آسيب‌شناسي اصل كرامت انساني، يکي از مهم‌ترين عوامل خدشه‌دار شدن كرامت انسانها را، کبرورزي حاکمان دانسته، و اين ويژگي ناپسند را به شدت نکوهش مي‌کند (محقق داماد، ۱۳۸۰، ص ۱۵۶). در قالب تذکرهاي فراوان به حاکمان در جامعه اسلامي هشدار مي‌دهد که «اگر خدا اجازه کبر ورزیدن را به يکي از بندگانش مي‌داد، به يقين چنين اجازه‌اي را به پيامبرانش مي‌داد، ليکن خدای سبحان بزرگي فروختن را بر آنان ناپسند ديد و فروتنی‌شان را پسنديد» (انصاريان، ۱۳۷۸، ح ۱۹۲).

۲. حق آزادی اندیشه و عقیده

همان گونه که در مبحث اول نیز اشاره کردیم، در اسلام آزادی اندیشه از مهم‌ترین حقوق شهروندان است. گواه روشن این مدعا، آیات نورانی قرآن کریم است که همگان را به تفکر فرا می‌خواند. اصولاً در حیطة اعتقادات و افکار انسان، اجبار ممکن نیست، اعمال زور تنها در افعال و حرکات جسمانی، مجال ظهور می‌یابد (منصورى، ۱۳۸۱، ص ۱۷-۱۸).

حضرت علي(ع) نیز ضمن اشاره به اهمیت فوق‌العاده تفکر و تعقل، عقل را ثروتی بی‌پایان می‌نامد (انصاریان، ۱۳۷۸، ش ۵۴) و آنکه از نعمت تعقل محروم است را نگون‌بخت معرفی می‌کنند (همو، ن ۷۸، ص ۷۴۳).

فکر کردن درباره هر کار و هر سخنی قبل از اقدام به آن و نیز مرور کلیه کارهای خود و ملاحظه عواقب و نتایج و آینده امور، نظر دقیق به عالم برای تفکیک امور پایدار و ماندگار از امور فناپذیر، تأمل و دقت در کلام پیامبر و آموزه‌های وحی و تفکر در حوادث و جریان‌های تاریخی، از جمله محورهای است که مورد تأکید و توصیه آن حضرت قرار گرفته است (سعیدی، ۱۳۸۱، ش ۱، ص ۸۶).

امام علي(ع) گرایش و تمایل مردم به پرسش، تحقیق و انتخاب از روی آگاهی را بسیار تمجید نموده و این عمل را صرف نظر از اینکه سرانجام به نفع ایشان و تأیید حکومتشان، منتهی شود یا به ضرر ایشان منجر گردد قابل تحسین دانسته‌اند. هنگامی که امام علي(ع) و سپاهیان‌شان عازم جنگ صفین بودند، یاران عبدالله ابن مسعود که در حقانیت امام(ع) شک داشتند، نزد ایشان آمده گفتند ما با شما رهسپار شده‌ایم، اما در اردوگاه شما ساکن نمی‌شویم و اردوگاه جداگانه‌ای بر پا کرده در کار شما و شامیان نظاره می‌کنیم.

پس هر گاه یکی از شما دست به عمل حرام زد یا ظلم و تجاوز از او سر زد و حقانیت طرف دیگر برای ما اثبات شد، آن گاه بر ضد باطل وارد جنگ می‌شویم.

حضرت علي(ع) در پاسخ فرمودند آفرین بر شما! خوش آمدید، این همان به کار بردن بصیرت در دین و کاربرد دانش در سنت است. هر کس به چنین پیشنهادی راضی نشود، بی‌شک ستمگر و خائن است (همو، ص ۹۱-۹۲).

نکته شایان توجه در این جاست که نباید با عقاید دیگران برخورد غیر فکری داشت؛ یعنی نباید کسی را به صرف داشتن عقیده‌ای مجازات و تنبیه کرد. انبیای الهی نیز همواره در طول تاریخ با ستمگرها و استبداد حکومت‌ها مبارزه می‌کرده‌اند و هرگز با مردم به واسطه عقایدشان برخورد تحکم‌آمیز نداشتند. دین همواره به عنوان یک تفکر آزادی بخش و ضد سلطه در برابر زورگویان عالم و در جبهه مردم قرار داشته است (سعیدی، ۱۳۸۱، ش ۱، ص ۹۶).

اسلام نیز اگر با کشورهای جنگید، هرگز با ملت‌ها درگیر نشد، بلکه با دولت‌ها جنگید. یعنی با افرادی مبارزه کرد که زنجیرهای خیالی و اجتماعی را به دست و پای مردم بسته بودند. اسلام با حکومت‌های ستمگر جنگید و به همین دلیل ملت‌ها در نهایت شوق و رغبت اسلام را پذیرفتند (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۱۲۵).

معمولاً بسیاری از حکومت‌ها با عقاید و افکار انحرافی تا زمانی که برای آنها ضرری نداشته باشد، کاری ندارند و حتی گاهی مشاهده می‌شود که دیدگاه‌های خرافی و شرک‌آمیز و ضد علمی و عقلی را نیز اگر به نفع تقویت پایه‌های اقتدار و مشروعیت آنها در جامعه باشد، مورد حمایت قرار می‌دهند.

اما ایده‌ای را که با منافع آنها سازگار نباشد، حتی اگر صحیح هم باشد، مجرمانه تلقی کرده، از باب پیشگیری، به مجازات صاحبان آن اندیشه می‌پردازند؛ اما امام

علی(ع) این آسمانی‌ترین پیشوای عدل و رحمت، انحرافات عقیدتی حادی را که حتی موجب جهت‌گیری‌های بسیار تندي هم بر ضد حکومت ایشان شده بود را بهانه سرکوب مخالفان سیاسی خویش، قرار نمی‌دادند. نکته بسیار جالب در این جاست که حضرت علی(ع) مقدمات فکری و اعتقادی مخالفان را تا زمانی که اقدام به براندازی حکومت نکرده بودند جرم تلقی نمی‌کردند (سعیدی، ۱۳۸۰، ش ۱، ص ۱۱۶-۱۱۷).

اینک برای اثبات این مدعا به دو نمونه از برخوردهای حضرت علی(ع) با مخالفان خویش در دوران کوتاه حکومتشان، اشاره می‌کنیم:

الف - موضع امام علی(ع) در برابر عقاید اصحاب نهروان

خوارج نمونه عینی تفکر و اندیشه باطل و عقاید انحرافی غلط و افراطی بودند. اما حضرت علی‌هرگز آنان را به صرف عقاید باطلشان محدود یا مجازات نکرد. خوارج امام علی را کافر و واجب‌القتل می‌دانستند و همه افرادی را که اعتقاد به کفر ایشان نداشتند، تکفیر می‌کردند! اما امیرالمؤمنین یا خوارج در منتهی درجه آزادی و دموکراسی رفتار کرد، او خلیفه بود و آنها رعیتش، هر گونه اعمال سیاسی برایش مقدور بود اما او زندانشان نکرد و شلاقشان نزد و حتی سهمیه آنان را از بیت‌المال قطع نکرد، بلکه به آنان هم چون سایر افراد نگریست. این مطلب در زندگی علی عجیب نیست، اما چیزی است که در دنیا کمتر نمونه دارد. آنها همه جا در اظهار عقیده آزاد بودند و حضرت خودش و اصحابش با عقیده آزاد با آنان روبرو می‌شدند و صحبت می‌کردند، طرفین استدلال می‌کردند و استدلال یکدیگر را جواب می‌گفتند (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۱۲۹).

ب - موضع امام علی در برابر انحراف فکری و عقیدتی اصحاب صفین

امام در مقام تحلیل و ریشه‌یابی علت مخالفت دشمنان متخاصم خود، اسلام آوردن آنان را امری ظاهری و مصلحتی معرفی می‌کرد و می‌فرمود فوالذی فلق الحبه و برالنسمه ما اسلموا و لکن استسلموا و اسروا الکفر؛ «به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفریده، اینان از روی حقیقت اسلام را نپذیرفتند، بلکه از ترس تسلیم شده‌اند و کفر را پنهان کرده‌اند...» (انصاریان، ۱۳۷۸، ن ۱۶، ص ۵۹۱).

شاهد این سخن حضرت علی نیز دستگاه فاسد بنی‌امیه است که تاریخ حکایت از رذالت‌ها و ظلم‌ها و تعدی‌های بی‌شمار آنان در حق مسلمانان دارد. اما امام هرگز این معنا را دستمایه تبلیغ علیه مخالفان و سرکوب آنان قرار ندادند، بلکه در موضع‌گیری‌ها و برخوردهای سیاسی با آنها همان اسلام ظاهری را ملاک دانست و تا زمانی که خودشان اقدام به خونریزی و جنگ ننمودند کلیه حقوق و آزادی‌های قانونی آنها از جانب حکومت تضمین شده بود، در حالی که تمسک حضرت به حربه تکفیر می‌توانست، در ترغیب مردم برای دشمنی با مخالفان ایشان تأثیر شایسته و بسزایی بگذارد. همان شیوه‌ای که اکثر حکومت‌ها علیه مخالفان و حتی منتقدان خود به کار می‌برند (سعیدی، ۱۳۸۰، ش ۱، ص ۱۱۶-۱۱۷).

از امام باقر نقل شده که فرمودند: همانا علی‌یه هیچ يك از کسانی که به جنگ با او برخاسته بودند، نسبت شرك و نفاق نداد، لکن می‌گفت ایشان برادران ما هستند که بر ما شوریده‌اند (الحرالعالمی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۱۱، ص ۶۲).

۴ - حق آزادی بیان

گفتار، ابزار عقیده است و بدون داشتن آزادی بیان، در حقیقت آزادی اندیشه مجالی برای ظهور و بروز نمی‌یابد. حضرت علی در دوران پر شکوه حکومتشان چنان فضای سیاسی بازی ایجاد کرده بودند که دشمنان و مخالفان نیز در جامعه علوی آزادانه سخن می‌گفتند.

امام همواره هنگام نصیحت کردن کارگزارانشان، مؤکداً سفارش می‌کردند که از چاپلوسان بهره‌زید و آنان را به کاری نگمارید و افراد جسور و منتقد را برگزینید تا سخن تلخ اما حق را بیشتر بگویند.

حضرت به کارگزارانشان سفارش می‌کردند که در کنار مردم و در مجالس عمومی (در حالت فروتنی) بنشینید و محفلتان را از پاسبانان و نگهبانان خالی کنید تا سخنگوی مردم بی‌هیچ ترس و درماندگی با شما سخن گوید. منطق حضرت علی در دادن حق آزادی بیان به مردم، سخن گهربار حضرت رسول بود که می‌فرمودند امتی که در آن حق ناتوان، بی‌هیچ هراسی گرفته نمی‌شود، هرگز پاک خوانده نمی‌گردد (منصوری، ۱۳۸۱، ص ۲۶-۲۷). شاید بتوان زیباترین تعبیر حضرت را در مورد حق آزادی بیان برای مردم در خطبه ۲۰۷ نهج البلاغه، جستجو کرد، در جایی که فرمودند:

فلا تكلموني بما تكلم به الجباره و لا تتحفظوا مني بما يتحفظ به عنده اهل الیادرة و لا تخالطوني بالمصانعه و لا تظنوا بي استتقالا في حق قيل لي و لا التماس اعظام نفسي، فانه من استثقل الحق ان يقال له اوالعدل ان يعرض عليه كان العمل بهما اثقل عليه؛ «با من چنان که با سرکشان سخن می‌گویند، سخن مگویند و آن گونه که نزد ستمگران تندخو از خود مراقبت می‌کنید - تا خشم آنان متوجه شما نشود - با من رفتار نکنید و از برخورد همراه با ظاهرسازی و چاپلوسی بهره‌زید و خیال نکنید اگر سخن حقی به من گفته شود، قبول آن بر من، سنگینی خواهد کرد یا اینکه خود بزرگ بین خواهیم بود؛ یقیناً کسی که شنیدن حق یا پیشنهاد عدالت بر او دشوار آید، عمل به آن دو برابر سنگین‌تر خواهد بود.

پس، از گفتن سخن حق یا مشورت به عدل خودداری نکنید که من در نظر خود نه بالاتر از آنم که خطا کنم و نه در کارم از اشتباه ایمنم، مگر اینکه خداوند مرا از نفسم کفایت کند»...

اما همان گونه که پیش از این نیز تأکید کردیم، سنجه و ملاک وجود حق آزادی بیان در جامعه، قائل شدن حق آزادی بیان برای مخالفان سیاسی است.

اینک برای سیراب شدن از دریای عدالت حضرت علی هر چند به واسطه چند قطره به ذکر نمونه‌هایی از برخوردهای ایشان در مقام عمل با مخالفان سیاسی می‌پردازیم:

روزی حضرت علی مشغول ایراد خطبه بودند، مردی برخاست و گفت «لا حکم الا لالله» و تنی چند از خوارج نیز این شعار را تکرار کردند، حضرت فرمود: الله اکبر؛ سخن حقی است که از آن اراده باطل دارند.

آگاه باشید تا هنگامی که با ما باشید شما را از سه حق محروم نمی‌کنیم: الف - حق ورود به مساجد که باید در آن به یاد خداوند متعال بود.

ب - حقوق شما از بیت‌المال که آن را قطع نمی‌کنیم.

ج - با شما جنگ نمی‌کنیم تا شما جنگ را آغاز کنید (احسان‌بخش، ۱۳۶۹، ص ۴۲۰-۴۲۱).

۵ - حق آزادی افراد و احزاب و گروه‌های سیاسی فضای آزاد حاکم بر حکومت امام علی سبب شد، جریان‌های فکری و سیاسی بسیاری شکل گیرد که برخی از آنها در گذر زمان به فتنه‌انگیزی و جنگ با حضرت روی آوردند (منصوری، ۱۳۸۱، ص ۲۳).

بارزترین تشکلهای سیاسی در زمان حکومت حضرت علی \square عبارت بودند از: الف - قومیت حمراء - اعضای این گروه در حقیقت از مهاجران غیر عرب بودند که سالها پیش از آنکه کوفه پایتخت شود، در آن شهر زندگی می‌کردند و در دوران حضرت علی فرصت تشکل یافتند. این گروه در زمان حکومت حضرت علی \square مخالفتی در برابر امام را در پیش نگرفتند اما همواره ابزار دست بنی‌امیه بودند و در زمان امام حسن به ضدیت با اهل‌بیت برخاستند (منصوری، ۱۳۸۱، ص ۲۳).

ب - عثمانیان - این گروه در زمان خلافت عثمان در حجاز پدید آمدند و با حمایت او گسترش پیدا کردند. عثمانیان در وقایع حساس و سرنوشت‌ساز در دوران امام علی نقش محوری و کلیدی داشتند و در فتنه‌های فاسطین، ناکثین و مارقین فعالانه شرکت می‌کردند. حکم بن عاص، مروان بن حکم، ولید بن عقبه، عبدالله بن عامر، عمر بن سعد، پسر ابو موسی و هر دو پسر طلحه از سران عثمانیان محسوب می‌شدند (همو، ص ۲۴).

ج - خوارج - همان‌گونه که پیش از این نیز اشاره کردیم، این جریان منحرف و منحط در دوران حکومت امام علی پدید آمد. خوارج در صفین، امام را به پذیرش پیشنهاد شامیان (حکمت) ناگزیر ساختند و سپس به بهانه پذیرش حکمت اجباری توسط امام به مخالفت با ایشان پرداختند.

پابندی امام علی به اصول آزادی، در مورد مخالفان و حتی دشمنان آن حضرت بدون کوچکترین تمایزی رعایت می‌شد. خلفای پیش از امام \square برخی از بزرگان صحابه را به خاطر ترس از فتنه‌انگیزی همیشه در مدینه زیر نظر داشتند؛ ولی حضرت علی به تنها این کار را نکرد، بلکه افرادی را که به فتنه‌انگیزی آنها مطمئن بود و یقین داشت که آنها دست به توطئه و جنگ خواهند زد، نیز آزاد می‌گذاشتند.

طلحه و زبیر دو نمونه بارزی بودند که پس از یأس از به دست گرفتن بخشی از قدرت در دستگاه حکومتی امام و سوء استفاده مالی از موقعیت‌شان، برای عزیمت به مکه از امام اجازه خواستند، امام فرمود ترجیح می‌دهم همین جا بمانید، ولی آنها اصرار کردند و گفتند، قصد عمره دارند. حضرت فرمود خوب می‌دانم که قصد عمره ندارید و با نیت شر خود در صدد فتنه‌انگیزی هستید، ولی با این حال شما را به ماندن در مدینه مجبور نمی‌کنم. چند نفر از یاران امام \square که دارای بینش سیاسی قوی بودند، به امام تذکر دادند که این دو نفر در صدد ایجاد فتنه و توطئه هستند و لازم است از عزیمت آنان به مکه جلوگیری شود. حضرت علی فرمود خود می‌دانم ولی آنها آزاد بوده و من کسی را به کاری مجبور نمی‌کنم. همین دو نفر با پیوستن به عایشه دست به قیام مسلحانه و جنگ در مقابل حضرت زدند (علیخانی، ۱۳۸۱، ص ۲۱۳-۲۱۴).

بارها اتفاق می‌افتاد که خوارج امام را مورد دشنام و توهین قرار می‌دادند، ولی حضرت با روی خوش به آنها می‌گفت اگر مایل باشید من حاضرم با شما بحث کنم (احسان‌بخش، ۱۳۶۹، ص ۱۸۳).

روزي امام در جمع عده‌اي، مطلبي فرمود، يکي از خوارج که آن جا بود، گفت خدا او را بکشد. اين مرد چقدر فقه مي‌داند. مردم شمشيرها را کشيده، براي کشتن او برخاستند. حضرت فرمود «آرام باشيد، دشنام را دشنامي بايد، و يا بخشودن گناه شايد» (عليخاني، ۱۳۸۱، ص ۲۱۵).

حق تساوي

الف- مساوات در بهره‌مندي از بيت‌المال

در دوره زمامداري حضرت علي حکومت اسلامي از نظر جغرافيايي وسعت بسياري يافته بود و بيت‌المال درآمد زيادي داشت، اما امام علي در برقرار ساختن عدالت و مساوات در زمينه تقسيم بيت‌المال با موانع فراواني روبرو بود؛ زيرا نابرابري و بي‌عدالتي در تقسيم بيت‌المال وجهه‌اي ديني و قانوني به خود گرفته بود.

تمايز قائل شدن ميان مردم در تقسيم بيت‌المال در زمان خلافت ابوبکر توسط عمر به وي پيشنهاد شد؛ اما ابوبکر آن را نپذيرفت. با اين حال عمر در دوران خلافتش اصل مساوات را از بين برد و مبناي تبعيض را پذيرفت (محقق داماد، ۱۳۸۰، ص ۱۷۵-۱۷۴).

لازم به ذکر است که در اين ايام نابرابري جنبه ديني و قانوني به خود گرفته بود و با گذشت ۲۲ سال از اجراي اين شيوه، مردم به آن خو گرفته بودند و غارت‌گران بيت‌المال در مقابل اقدامات عدالت‌جو يانه حضرت علي مقاومت مي‌کردند. در ارتباط با حقوق اقتصادي مخالفان سياسي در جامعه علوي نيز بايد اذعان کنيم که «اميرالمؤمنين سهميه خوارج را از بيت‌المال قطع نکرد و به آنان نيز هم چون ساير افراد نگريست...» (مطهري، ۱۳۷۷، ص ۱۳۹).

ب - مساوات در برابر قانون

از ديده‌گاه حضرت علي همه مردم در برابر قوانين يکسان بوده، از حقوق برابر برخوردارند. در حقيقت در پيشگاه قانون، حزب، گروه، طبقه، ثروت، لباس و... نمي‌تواند موجب تبعيض و برتري افراد بر يکديگر شود. همين اصل برابري در مقابل قانون موجب شد تا اشراف، متنفذان و بزرگان قبائل از اطراف حضرت علي پراکنده شوند يا حتي خيانت کنند. از منظر امام [] حتي نخبان و دست اندرکاران امور نيز حق ندارند خود را از مردم عادي برتر دانسته، از حقوق بيشتري نسبت به آنها، برخوردار شوند.

ج - مساوات در رجوع به محکمه و رسيدگي عادلانه

از منظر تعاليم اسلامي برقراري و اجراي عدالت در همه وجوه و ابعاد زندگي، امري است بسيار پسنديده که مسلمانان به رعايت آن مؤکداً سفارش شده‌اند. يکي از مهم‌ترين موقعي که همگان انتظار دارند تا فرشته عدالت نقاب از رخ زيباي خود برکشیده، در صحنه حيات انسانها ظاهر شود، اجراي عدالت در هنگام رسيدگي قضايي به دعاوي و مراعات بين دولت و شهروندان و شهروندان با يکديگر است. لذا در قرآن کریم به داوري عادلانه ميان همه انسانها حتي دشمنان نيز توصيه شده است (مائده، ۴۲).

حضرت علي که خود تربيت شده در دامان وحی است به اين اصل مهم توجه و عنايت زيادي دارد و در نامه‌ها و تفريراتشان به دفعات کارگزارانشان را در دستگاه

حکومت به اجرائی عدل و قسط و رعایت اصل برابری همگان در مقابل در دستگاه حکومت به اجرائی عدل و قسط و رعایت اصل برابری همگان در مقابل قانون، فرمان داده‌اند. در همین راستا خطاب به شریح قاضی می‌فرماید: «پس بین مسلمانان با نگاه، صحبت و مجلس مساوات بر قرار کن. تا نزدیکت به تو طمع نوزد و دشمنیت از عدالت تو مایوس نشود» (الحرالعاملی، ۱۴۰۳هـ، ج ۱۸، ص ۱۵۵).

نتیجه گیری

همان گونه که پیش از این ذکر کردیم، حقوق مخالفان سیاسی در دوران حکومت امام علی عبارت بود از:

- ۱- حق حیات و آزادی تن.
- ۲- حق کرامت انسانی.
- ۳- حق آزادی اندیشه و تفکر.
- ۴- حق آزادی بیان.
- ۵- حق آزادی تحزب و گردهمایی.
- ۶- حق مساوات که خود به سه بخش تقسیم می‌شد:
 - الف - مساوات در بهره‌مندی از بیت‌المال.
 - ب- مساوات در برابر قانون.
 - ج - مساوات در مراجعه به مراجع قضایی و رسیدگی عادلانه.

در یک جمله اگر بخواهیم رفتار امام علی را با مخالفان سیاسی در دوران حکومتشان تبیین کنیم باید اذعان نماییم که حضرت علی سخن را با سخن و شمشیر را با شمشیر پاسخ می‌دادند.

منابع و مآخذ

القرآن الکریم
—، نهج البلاغه، ترجمه: حسین انصاریان، تهران، پیام آزادی، چاپ اول، ۱۳۷۸
ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن حبه‌الله، شرح نهج البلاغه، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا
ابن اثیر، علی ابن محمد، الكامل فی التاریخ، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۰
احسان‌بخش، صادق، خوارج و علل پیدایش آنان، رشت، ناشر مؤلف، چاپ اول، ۱۳۶۹
بشیری، حسین، عقل در سیاست، تهران، نگاه معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۳
پور خسروی، محمدرضا، «حقوق مخالفان دولت با تأکید بر سیره امام علی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰
الحرالعاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشیعه، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ پنجم، ۱۴۰۳ هـ
خسرو پناه، عبدالحسین، جامعه علوی در نهج البلاغه، قم، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه، چاپ اول، ۱۳۸۰
راوندی، مرتضی، سیر قانونی دادگستری در ایران، تهران، چشمه، چاپ اول، ۱۳۶۸

سعیدی، محمد حسن، «آزادی مخالفان سیاسی در حکومت امام علی»، قم، نشریه حکومت اسلامی، سال ششم، ۱۳۸۰
شریعتی، علی، علی، تهران، نشر آزمون، چاپ نهم، ۱۳۷۹
علیخانی، علی اکبر، توسعه سیاسی از دیدگاه امام علی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین المللی، چاپ دوم، ۱۳۸۱
مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۲
محسنی، علی، «مبانی و گستره آزادی در اندیشه و رفتار حضرت علی»، پایان نامه دکتری، تهران، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۲
محقق داماد، مصطفی، «امام علی و حقوق بشر»، فصلنامه کتاب نقد، ۱۳۸۰
مرتضوی، سید محمد، مروری بر عملکرد امام علی در برابر جریان های سیاسی، تهران، دفتر سازمان عقیدتی، سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۷۹
مطهری، مرتضی، پیرامون جمهوری اسلامی، تهران، صدرا، چاپ نهم، ۱۳۷۴
همو، جاذبه و دافعه علی، تهران، صدرا، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۷۷
منصوری، سید مهدی، مخالفان سیاسی، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۱
pickless, Dorothy, Democracy, university, paperback edition, 1977

